

بررسی ادراک حسی

از دیدگاه ارسطو و ملاصدرا

محمدحسین مختاری^(۱)

چکیده

مسئله «ادراک» همواره یکی از مباحث مهم فلسفی از روزگار باستان تا به امروز بوده است. فیلسوفان یونان باستان بویژه افلاطون و ارسطو، بطور مبسوطی درباره ادراک - ابزار و شرایط آن - سخن گفته‌اند. در این میان، ارسطو با تدوین دو رساله درباره نفس و حاس و محسوس به تبیین ادراک ظاهری و باطنی نفس پرداخته است. در میان قوای ادراکی حیوان و انسان، ادراک حسی از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است زیرا نخستین مواجهه ما با عالم خارج بوسیله این حواس صورت می‌گیرد. ارسطو برای تبیین ادراک حسی از قوای ظاهری نفس (لامسه، باصره، ذائقه، سامعه و شامه) و معرفت‌بخش بودن داده‌های آنها سخن می‌گوید. وی معتقد است ادراک حسی باید با عقل در هم تنیده شود تا برای ما معرفت‌بخش باشد. فیلسوفان مسلمان نیز به بحث از ادراک حسی پرداخته‌اند و عمده مباحث آنها همان نظریاتی است که ارسطو بیان کرده است. ملاصدرا با مطرح کردن انشائی بودن صور توسط نفس، از دیدگاه ارسطویی فاصله گرفت و توانست طرحی نو را در علم النفس فلسفی دراندازد. در این مقاله به بررسی و مقایسه رویکرد ارسطو و ملاصدرا به مسئله ادراک

حسی می‌پردازیم. بدین منظور، ابتدا از تعریف نفس و قوای آن بحث می‌کنیم و سپس قوای ظاهری را از دیدگاه هر دو فیلسوف مورد بررسی قرار خواهیم داد. در پایان نیز به بحث مهم معرفت‌بخشی ادراک حسی می‌پردازیم.

کلیدواژگان: ادراک حسی، عقل، نفس، قوای ظاهری، معرفت‌بخشی، ارسطو، ملاصدرا.

مقدمه

مسئله ادراک حسی همواره یکی از مباحث مورد توجه فیلسوفان بوده است. با توجه به گزارشهایی که ارسطو در کتاب درباره نفس در مورد ادراک حسی ارائه کرده، این بحث از زمان فلاسفه پیش سقراطی مطرح بوده است. شاید بتوان گفت با ظهور سوفسطائیان، سخن گفتن از ادراک حسی بصورت جدی مطرح شد. افلاطون در محاوره ثئی‌توس قول یکی از مهمترین سوفسطائیان را مطرح، تفسیر و نقد می‌کند. او بعد از مطرح کردن مقدماتی، از قول پروتاگوراس نقل می‌کند که: «آدمی مقیاس همه چیز است، مقیاس هستی آنچه هست و چگونه است و مقیاس نیستی آنچه نیست و چگونه نیست». افلاطون این جمله را اینگونه تفسیر می‌کند:

* تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۲ تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۱۷

(۱). دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره): Professor.mokhtari@yahoo.com